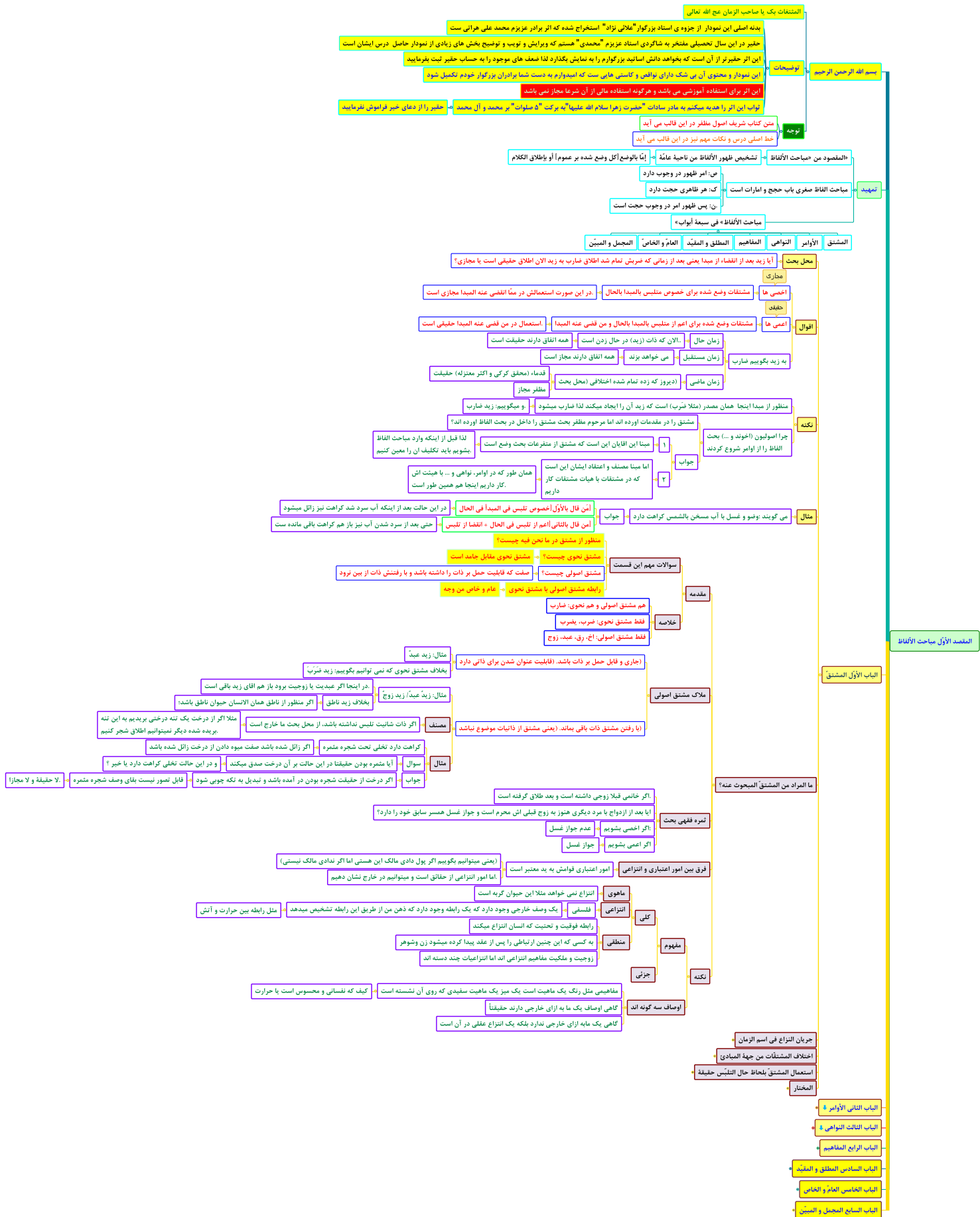
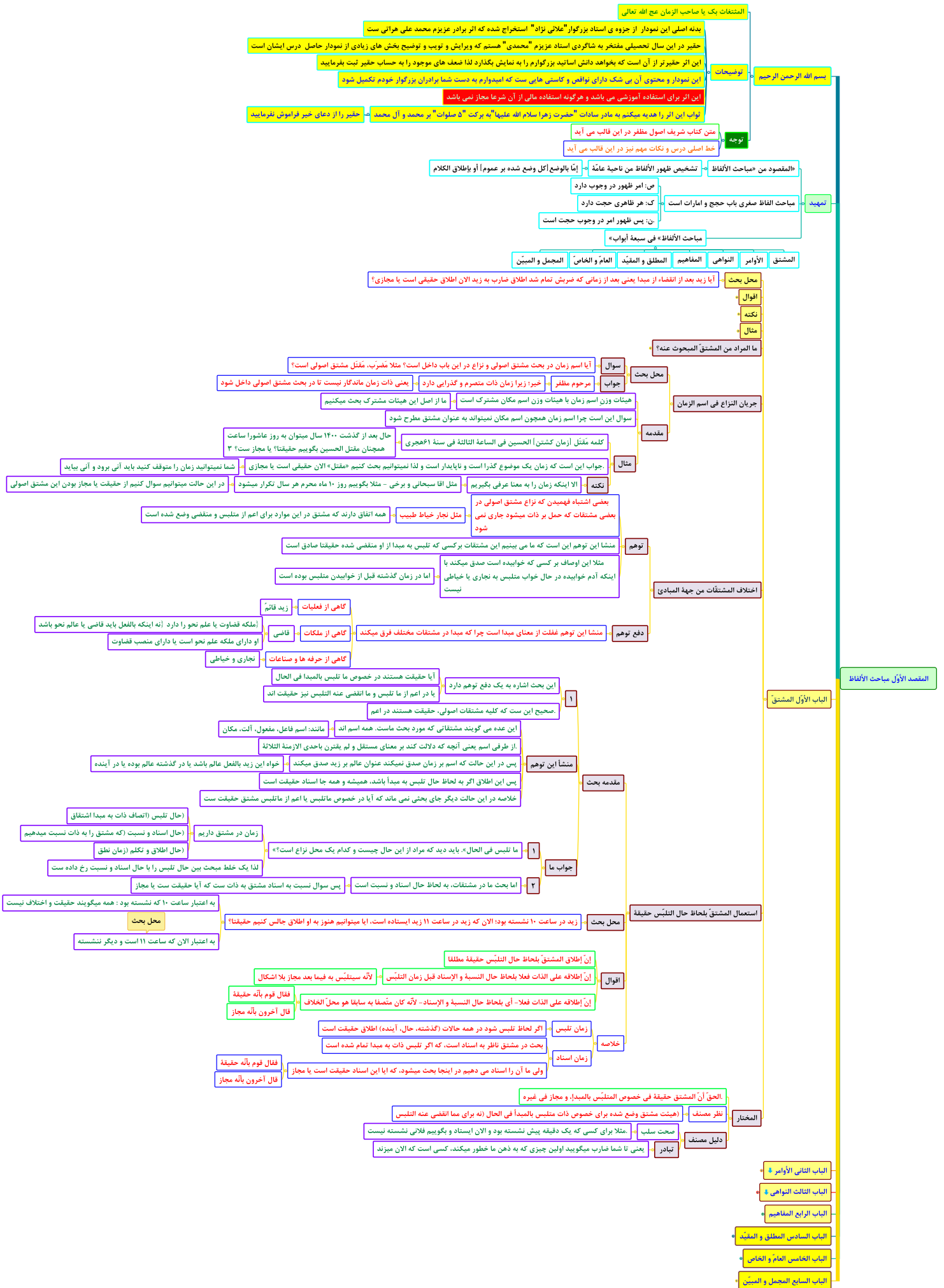






بسم الله الرحمن الرحيم

تعریف

الباب الأول المشرق

المبحث الأول: مادة الأمر

(مباحث هیئت امر و ملحقاتش مثل جمله اسمیه، جمله فعلیه در مقام اشاء

معنی صیغه الامر

ظهور الصیغه فی الوجوب

تنبیهان



منشأ خلاف



التعبدی و التوسعی

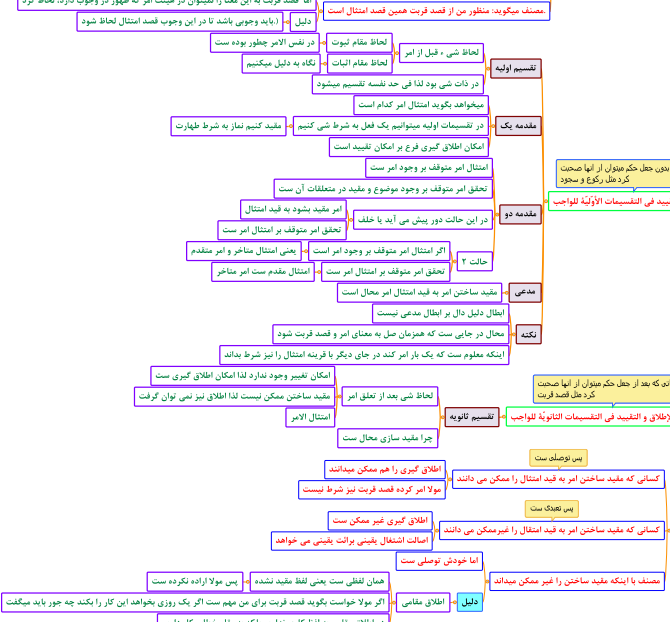
محل الخلاف بین وجوه قصد القرية

مقدمه

المبحث الثاني: صیغه الامر

الباب الثاني الاوامر

المقدم الأول مباحث الاضافات



جمع بندی اطلاق و تعدید در صیغ امر

الواجب العممی و اطلاق الصیغه

الواجب التعمینی و اطلاق الصیغه

الواجب النسبی و اطلاق الصیغه

الغیر و التراخی

الغیر و التکرار

حل بدل نسخ

الامر بشیء، مکررین

دلالة الامر بالامر علی الوجوب

المطلق و المشروط

المعلق و المنجز

الأسلی و التبعی

التعمینی و التعمینی

العممی و الکافی

الموسع و المقتصر

العامة فی تقسیمات الواجب

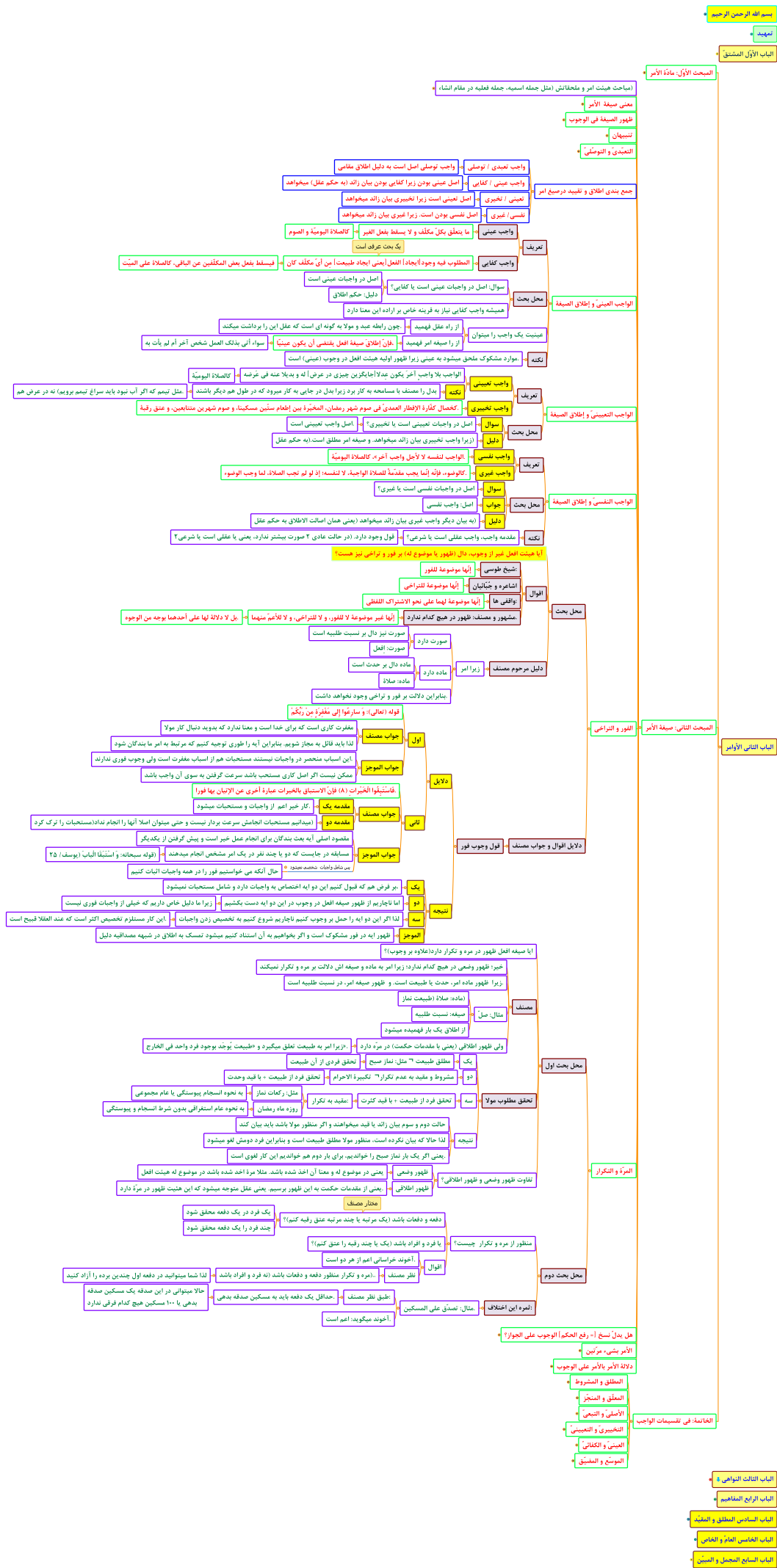
الباب الثالث التواهی

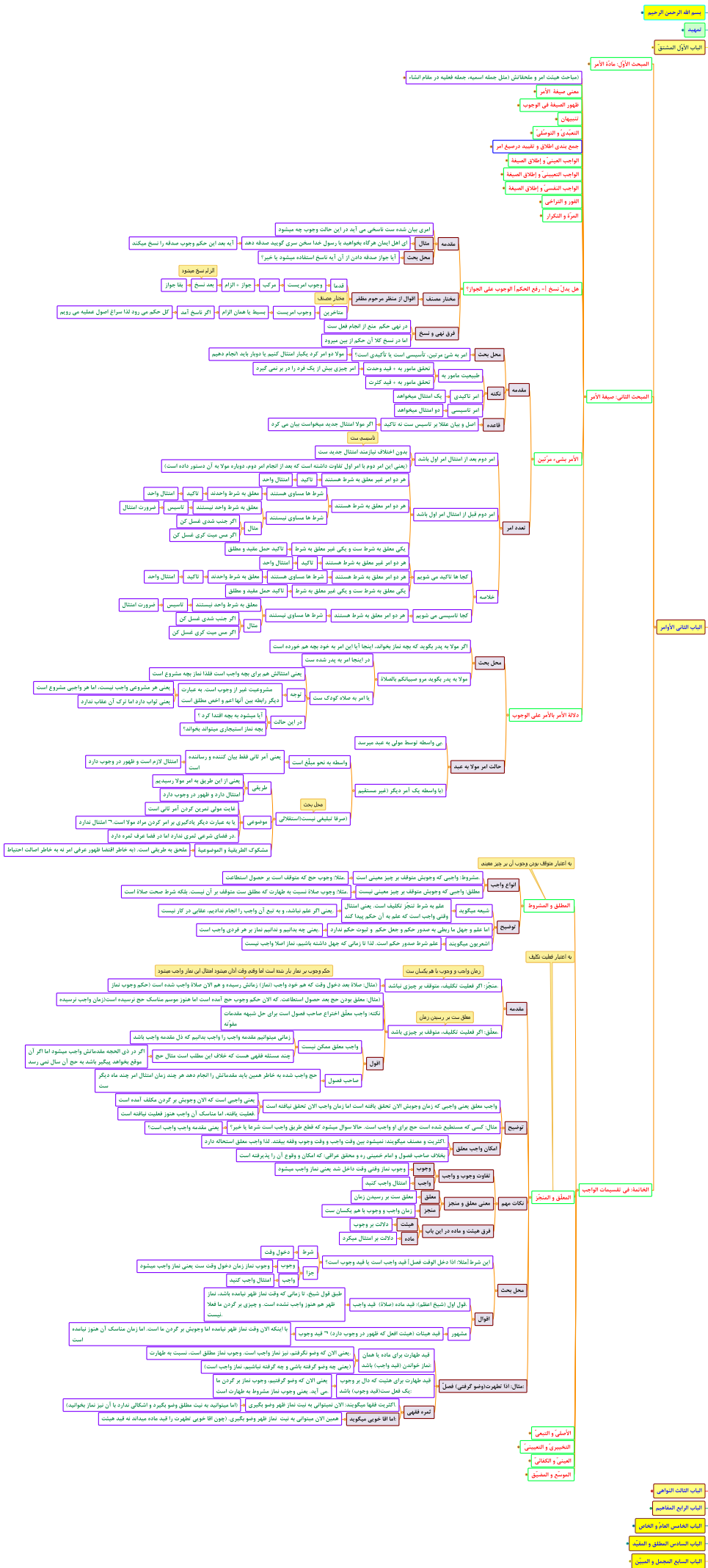
الباب الرابع المفاهیم

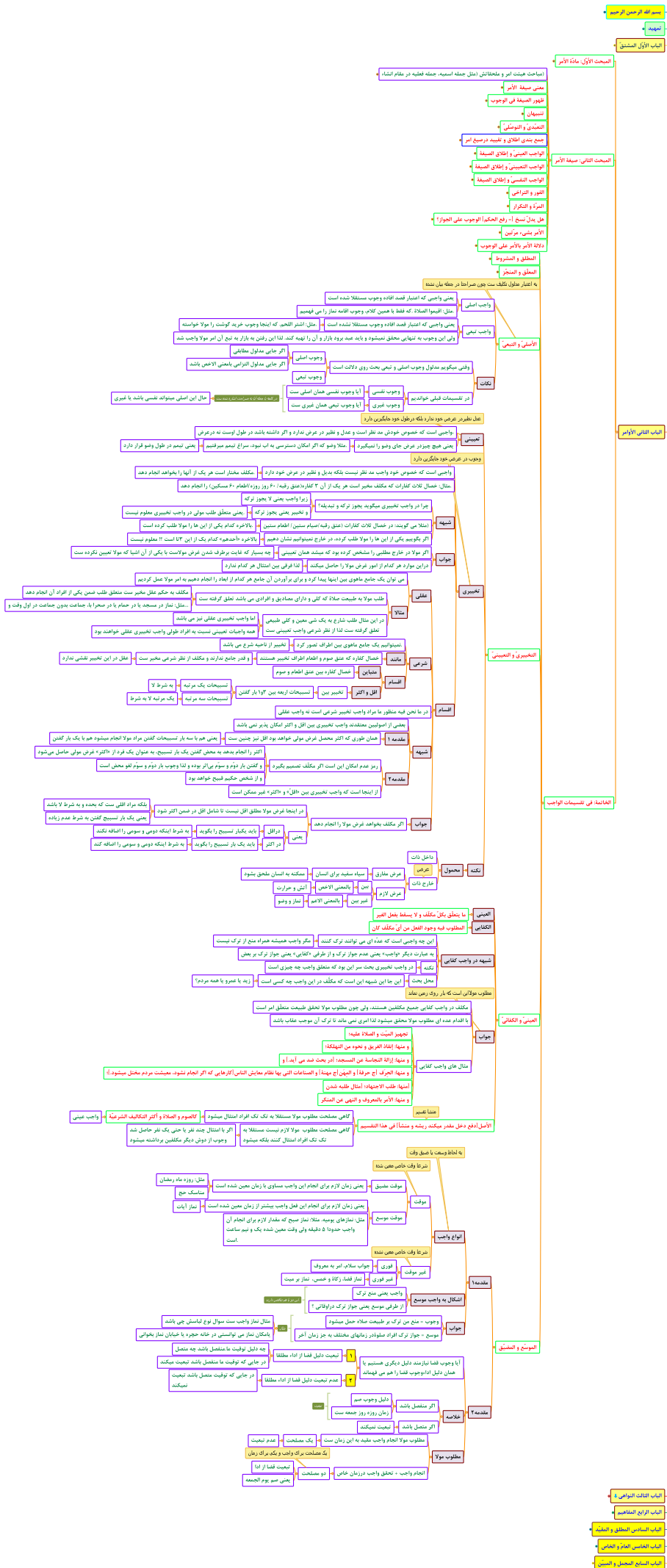
الباب السادس المطلق و المقید

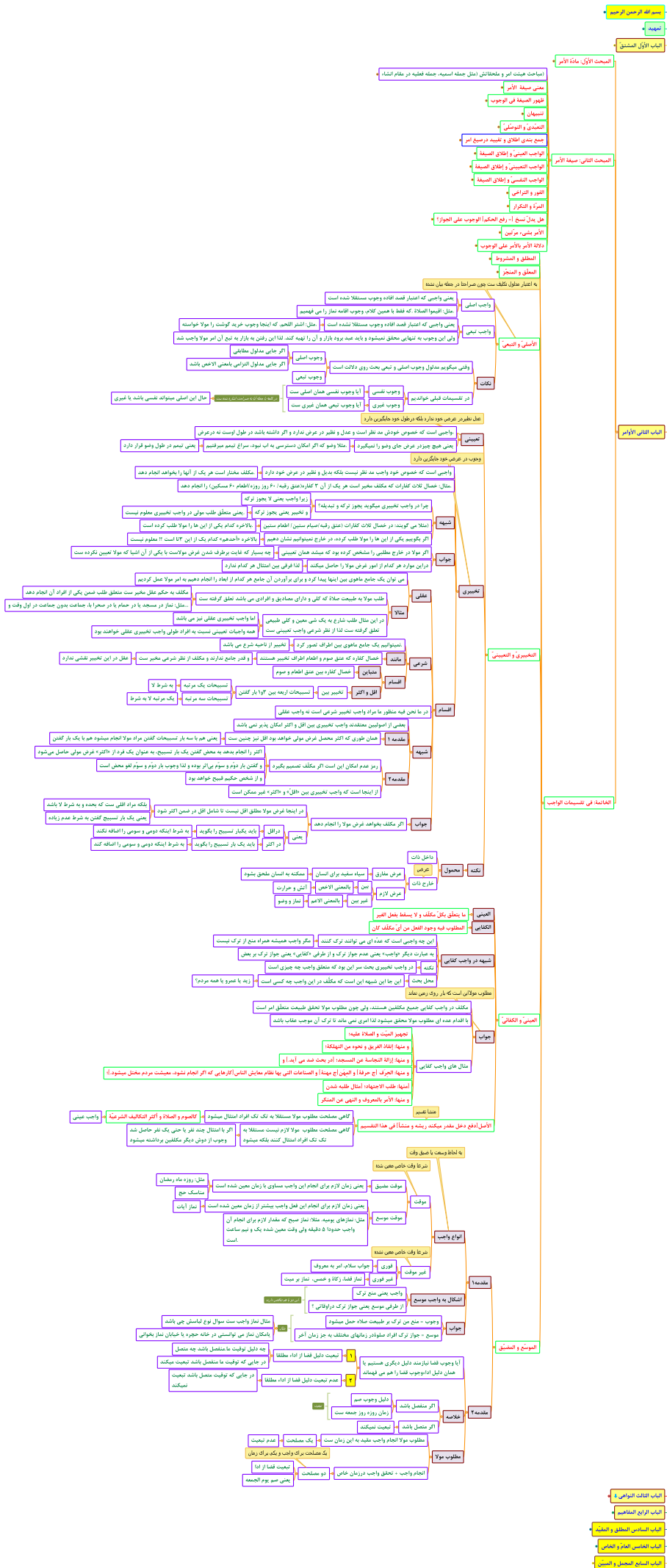
الباب الخامس العام و الخاص

الباب السابع الممحل و المبین









- بسم الله الرحمن الرحيم
- تمهید
- الباب الأول المشتق
- الباب الثاني الأوامر

المقصد الأول مباحث الألفاظ

الباب الثالث التواهي

ظهور صيغة التهي في التحريم

ما المطلوب في التهي؟

دلالة صيغة التهي على الدوام والتكرار

محل بحث

مقدمة

مختار مصنف

نتيجة

جواب مصنف

شبهة

قبل

بعد

قيل

قيل

قيل

قيل

قيل

قيل

قيل

قيل

قيل

قيل

قيل

مادة

موضوع له

متاخرين: زجر یا همان نسبت زجریه (نباید انجام دهی)

ظهور در حرمت

متشا ظهور عقل

صیغه یا هیات

هیات لا تفعل و ملحقات

تحدیر

جمله فعلیه

مثال: احذرکم الله فلان

جمله اسمیه

مثال: هذا ممنوع لك

موضوع له: نسبت زجریه

چون هیت معنایش جزئی است لذا باید موضوع له اشی نیز جزئی باشد.نسبت زجریه معنایش جزعی ست

مشهور و مختار مصنف

مجرد ترك

ترك امر عدى است و نمیتواند مطالبه شود زیرا خارج از قدرت انسان است

لذا باید يك امر وجودی باشد

اشكال اهل سنت

لذا مطلوب مولا در این اینجا مجرد ترك است

جواب مصنف

مولا ابقاء این ترك را از ما خواسته است. لذا يك امر وجودی شد و هیچ مشکلی نداریم

برخی اهل سنت

كف (خودداری) نفس

خير: در «امر» مرة اقتضای طبیعت کلی یوجد بوجود فرد فهمیده میشود

آیا صیغه نهی دال بر مرة و تکرار و فور و تراخی دارد؟

ولی در «نهی» چون اعدام طبیعت به ترك جميع افراد است، تکرار فهمیده میشود

مثلا امروز هم غیبت نکن، فردا هم غیبت نکن و ... و این یعنی تکرار

امر وجودی

لا تشرب الخمر (شرب خمر)

برمبنای مرحوم مظفر

دلالت بر زجر و منع از فعل شرب خمر دارد

امر عدى

لا تتروك الصلاة (ترك نماز)

برمبنای مرحوم مظفر

دلالت بر زجر و منع از فعل ترك نماز دارد

مدلول مطابقی صیغه نهی و امر معیار تشخیص ست

نه مدلول التزامی چه آنکه مدلول التزامی امر، نهی باشد

و بالعکس

مدلول مطابقی

لا تترك الصلاة (ترك زجر و منع از ترك صلاة است)

مدلول التزامی

آن اتیان و انجام دادن صلاة است

در این حالت مدلول صیغه همان چیزی ست كه صیغه امر افاده میکند

مدلول مطابقی

بعت و تحریک به جانب ترك شرب است

مدلول التزامی

زجر و منع از شرب خواهد بود

پس معیار تشخیص همان مدلول مطابقی ست

نتیجه

مدلول التزامی صیغه امر مفاد نهی است و مدلول التزامی صیغه نهی مفاد امر میباشد

پس معیار تشخیص همان مدلول مطابقی ست

ظهور صیغه نهی در تحریم همچون صیغه امر در وجوب ست

كه منشا این ظهور حكم عقل ست

يك هیئت ست و هیئت برای معنای حرفی كه نسبت باشد وضع شده

لذا موضوع له این نسبت همان نسبت زجریه ست

كذلك صیغه لا تفعل

نسبت قوامش به طرفین است. پس باید دو طرف در میان باشد

تا هی و منهی و منهی عنه باید باشد تا يك حدیثی نهی شده باشد

در این حالت معنای اسمی تحریم نمیتواند ظهور صیغه نهی باشد

پس به حكم عقل از ظهور اطلاق این صیغه ظهور در حرمت دارد

اگر جایی قرینه باشد آن را حمل بر کراهت میکنیم

(مثال در يك روایت می بینیم: لا تصل فی الحمام بعد در روایت دیگر می بینیم: لا یأس به (د: الصلاة فی الحمام

نتیجه

این دستور دوم ظهور در این دارد كه صلاة در حمام حرام نیست

مفهوم اسمی (حرمت) نمیتواند موضوع له صیغه نهی كه هیات و معنای آن حرفی ست قرار بگیرد

كف نفس از فعل

امر وجودی ست

مجرد ترك

امر عدى معنای است

مطلوب مولا در صیغه نهی چیست؟

چون ترك يك مفهوم عدى ست و عدم از ازل هست

اشیا معدوم اند و برای ایجاد دلیل میخواهیم

قبل از آنكه تو مكلف شوی از ازل عدم شرب خمر بوده

در اختیار تو نیست عدم شرب خمر

لذا

خداوند امر به غیر مقدور نمیکند

تكلیف خداوند ما لا ینطق نیست

با توجه به شرایط بالا كف نفس پیدا شد

كه از ازل بوده و مقدور مكلف نمیشد

پس مراجعه به وجدان خود درمییابیم كه ابقای عدم شرب مثلا در اختیار مكلف است

پس همانطور كه مكلف قدرت بر شرب خمر دارد بر عدم شرب نیز قدرت دارد

متعلق طلب در صیغه نهی مجرد ترك است و هیچ اشكالی لازم نمیآید

بنابراین در مورد صیغه نهی اسلا طلبی در كار نمیشد تا مطلوبی در میان باشد

تا اختلاف پیش بیاید

مطلوب در صیغه نهی كف نفس است و یا مجرد ترك فعل؟

اختلافی كه در صیغه نهی است در مره و تکرار همانند اختلافی ست كه در صیغه امر وجود دارد

نه بر مره و نه بر تکرار دلالت میکند

نه از طریق هیئت

صیغه لا تفعل

نه از طریق ماده

صیغه نهی بر صرف طبیعتش باز می دارد از چیزی

فرق عقلی در ناحیه امتثال این حكم ست

فرق بین صیغه امر و نهی

در نتیجه

عقل همان طور كه میفهمد در امر طبیعتش با يك بار (مرة) محقق میشود

در اینجا نیز با عقل درك میکنیم كه در نهی طبیعتش با يك بار محقق نمیشود

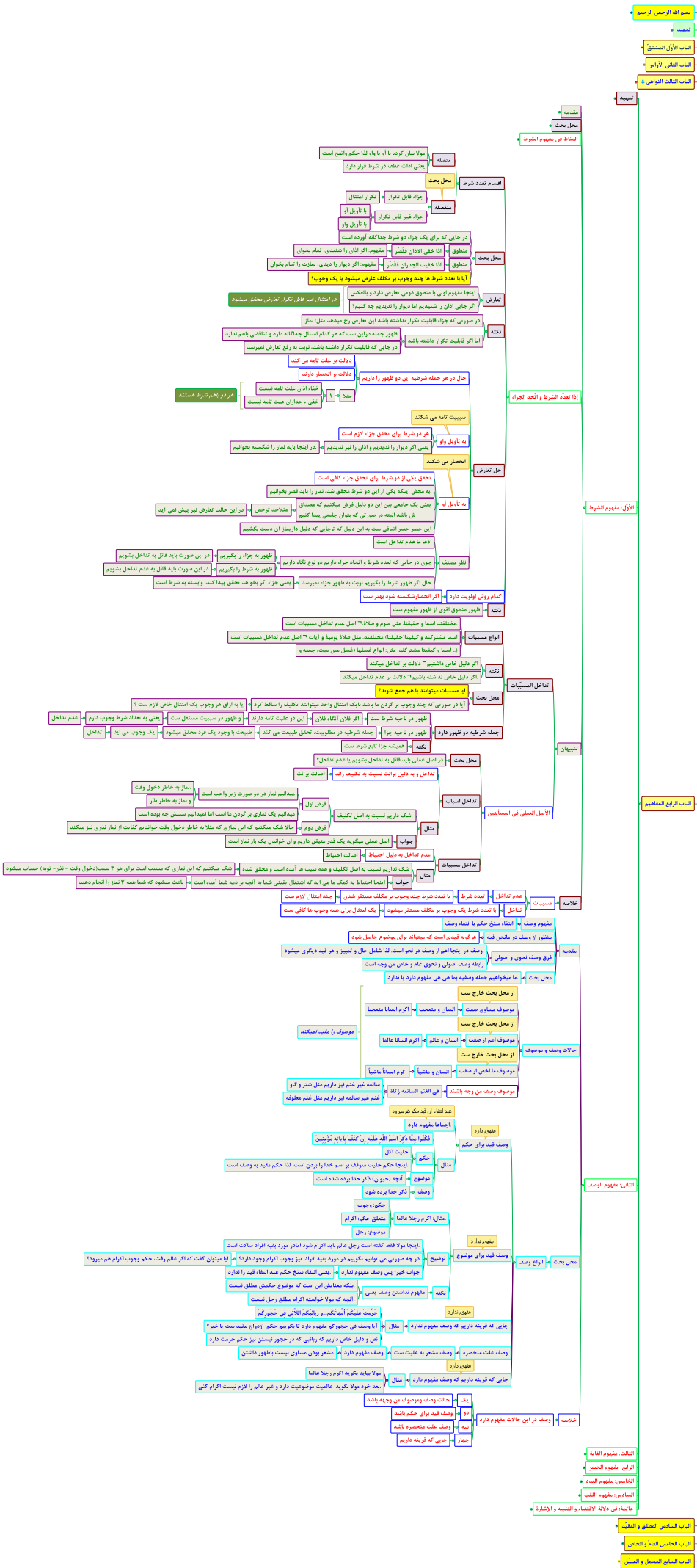
(و باید استمرار داشته باشد)تكرار

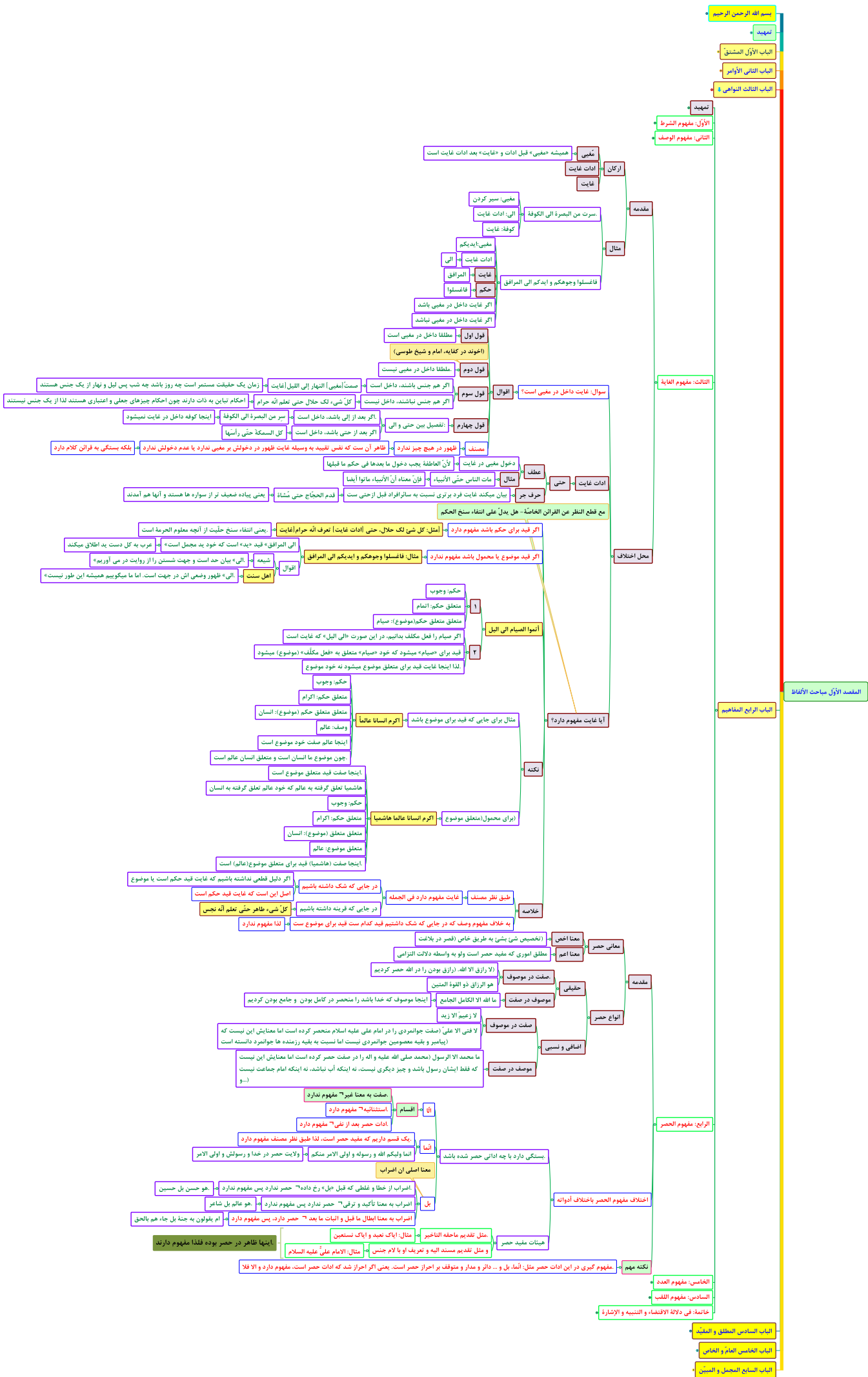
الباب الرابع المفاهيم

الباب السادس المطلق والمثبت

الباب الخامس العام والخاص

الباب السابع المجمل والمبين





بسم الله الرحمن الرحيم

تمهید

ابواب الأول المشفق

ابواب الثاني الأوامر

ابواب الثالث التواهي 8

تمهید

الأول: مفهوم الشرط

الثاني: مفهوم الوصف

الثالث: مفهوم الفاعل

الرابع: مفهوم المحضر

مفهوم ندارد

الخاص: مفهوم العدد

مفهوم ندارد

محل بحث

مثال

فالحق

مقدمه

تعريف

مفهوم ندارد

السادس: مفهوم اللقب

مفهوم ندارد

محل بحث

خلاصه

مختار مصنف

تکته

عقلی

منطوقی

مفهومی

لفظی

مقدمه

اقسام دلالات

مجموع لفظ و معنای یک کلام اگر دلالت بر چیزی داشته باشد، دلالت سیاقیه نام دارد

سیاقیه

هم بر معنای مفرد هم بر کرب و هم الفاظ دلالت میکنند

مورد قصد مولا باشد

به دو شرط

لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام

رفع عن امتی ما لا یصلون

لا صلاة لمن جاره المسجد الا فی المسجد

اهل محذوف ست

مستل القرینة

عقلی

مثال

عرفی

شرعی

لغوی

محل بحث

دالات سیاقیه

خاتمه: فی دلالة الانقضاء و التنبيه و الإشارة

القصد الأول مباحث الألفاظ

الابواب السادس المطلق و المشفق

الابواب العاشر و العاشر

الابواب السابع المجمل و المبين

سوال

جواب

تکته

حکم وجوبی باشد

عدد حد اعلى حکم را بیان کند

همراه با قرینه خارجی

چون دو شرط بالا وجود دارد

قرینه خارجی و دلیل خاص هم داریم که روزه ماه رمضان واجب است

لذا مفهوش این است که در غیر ماه رمضان واجب نیست

عدد مفهوم دارد

یعنی حتی در این حالت آخر که این شرایط باشد باز هم بدون قرینه مفهوم ندارد

اسم: آنچه وضع شده برای سسمی

کنیه: آنچه مصدر به آب، ام و

لقب: آنچه اشعار به مدح و ذم دارد

اسم که در ظاهل وصف باشد

هر اسمی چه جامد باشد چه مشتق که موضوع برای حکم قرار بگیرد

از معنای وصفی خود عاری شده باشد و مثلا برای اشخاصی علم شوند

مانند صاق و باقر که از معنای وصفی خود خارج شده و برای شخصی علم شده اند

مثلا موی فرموده اطعم الفقیر فقیر لقب است

و موضوع حکم وجوب اطعام واقع شده است

مفهوم لقب داشتن یعنی

وجوب اطعام منحصر بر فقیر است و از غنی نفی شده است

یعنی ابتداء حکم از موضوعی که لقب شامل آن نمیشود

جمله مذکور تنها حکم وجوب اطعام را در مورد فقیر ثابت میکند

نسبت به فرد غنی ساکت است

وجوب اطعام ثابت ست یا نفی شده ست؟

مسأ در سابق راجع به دلالت وصف بر مفهوم اشکال نمودیم:

در عین حال که وصف لاقبل اشعار به علت و وابستگی حکم بر وصف داشت

در لقب به طریق اولی نباید دلالت بر مفهوم داشته باشد

در صورتی که لقب حتی اشعار به تعلیق حکم، بر لقب ندارد

چون خود لقب موضوع حکم قرار گرفته در صورتی که باید موضوع حکم وابسته به لقب بود

لذا حکم تعلیق به لقب ندارد چه رسد به اینکه بخواهد علت منحصره برای حکم باشد

وقتی مفهوم دارد که نوع و سنخ وجوب اطعام را از غنی نفی نماید

دلت سیفه اقل بر وجوب

از خود لفظ فهمیده میشود

مدلول مطابقی

مدلول التزامی بین به معنی الاخری برای جمالت

دلتی که مدلول مطابقی و مدلول

التزامی بین به معنی الاخری ندارد

سوال اینجاست دیگر مدلولات که با التزامی نیستند و یا التزامی به معنی الاخری هستند چه؟

هم بر معنای مفرد هم بر کرب و هم الفاظ دلالت میکنند

مثال اقتضا تنبيه و اشارة

مورد قصد مولا باشد

کلام ما بدون این دلالت صحیح نیست

یا اشکال عقلی شرعی لغت عادات

ضرر دیدن و ضرر رساندن در اسلام نیست

یا واقعا در دنیا هیچ ضرر و ضراری وجود ندارد؟

واضح است که وجود دارد. پس باید برای صحت این کلام باید حکم احکام شرعیه تقدیر گرفته شود

بر داشته شده است از امت پیامبر آنچه نمیدانند

یا واقعا این امت خطا و ندانستن وجود ندارد؟

بنا بر این باید به تقدیر «آثار» گرفت. یعنی اگر کسی ندانسته خبر خود، اثر ۸۰۰ بره نازیکه را اسلام برداشته است

لأن صدق الکلام و صحته تنوقف علی تقدیر کلمه «کاملة» افضلیت بیشتر محذوفه

لیکون التثقیل آنچه نفی شده کامل الصلا لا اصل الصلا

اهل محذوف ست

مجاز در اسناد دارد

اونی که بن باید به اهالی اسناد میدادم به مجلسان اسناد میدهم

مثال: جری التمزایب (تأویان راه افتاد

(اب راه می افتد نه خود تاویان

کافی

یک کلمه را محذوف میکنیم

حرکتی که برای مطروق بود اسناد میدهم

برای طرف که مجاز در اسناد میکنیم

جالی السفینه متحرک (خود جالیس که حرکت

نمیکند بلکه به خاطر حرکت سفینه حرکت میکند

چنان تجوی من تحت الانهار

جاء رنگ (یعنی جا امر رنگ

وامسل القرية (یعنی واسئل اهل قریه

اضریع الشهوات (صریح ای، مصروع

رایت أسدا فی الحما

أعنت عیدک عنی از طرف من اعلی ادر مقابل الف

ترجمه

عما به آنچه داریم راضی هستیم و شما به آنچه دارید، راضی هستید

نحن: مبتدا

بما عندنا: جار و مجرور و متعلق به خبر محذوف

نحن: مبتدا

بما عندک: جار و مجرور و متعلق به راضی

راضی: خبر برای انت

نتیجه

خبر باید یا مبتدا مطابق باشد. لذا به قرینه «راضی» باید بگوییم: راضون خبر برای نحن است که حذف شده است

«طلعت الشمس»

البيان فوات وقت أداء صلاة الیداء انما صبح

«لانی عطشان»

للدلالة علی طلب الماء

هوا گرم است

یعنی کولر را روشن کن

إذا كان المراد الحقیقی مقصودا بالافادة من اللفظ، ثم کنی به عن شيء، آخر

علة للحکم، أو شرطاً، أو ماعداً، أو جزاءً، أو عدم هذه الأمور

فحقیقتها من باب حیثیه الظواهر محلّ نظر و شک

دلیل

لأنّ نسبتها بالادلة من باب الاستحسان

إذا المفروض أنها غیر مقصودة

والدلالة تابعة للارادة

مثال

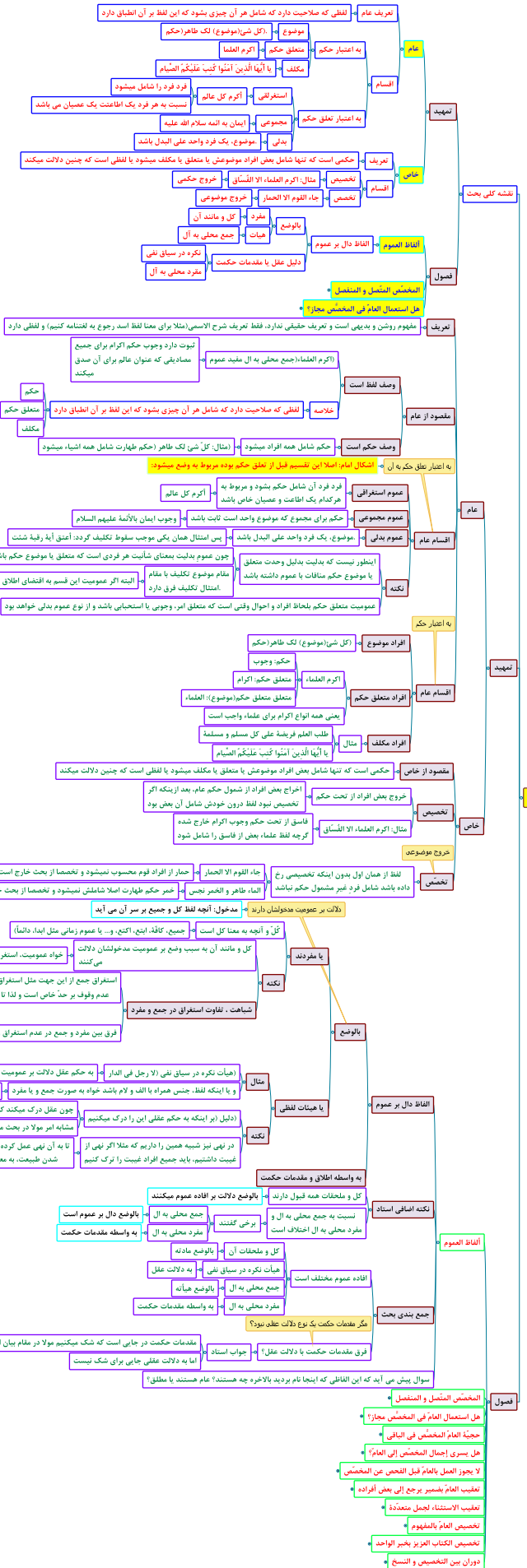
کسی در مورد زنی صحبت میکند و زید میگوید ایشان زوجہ ما است

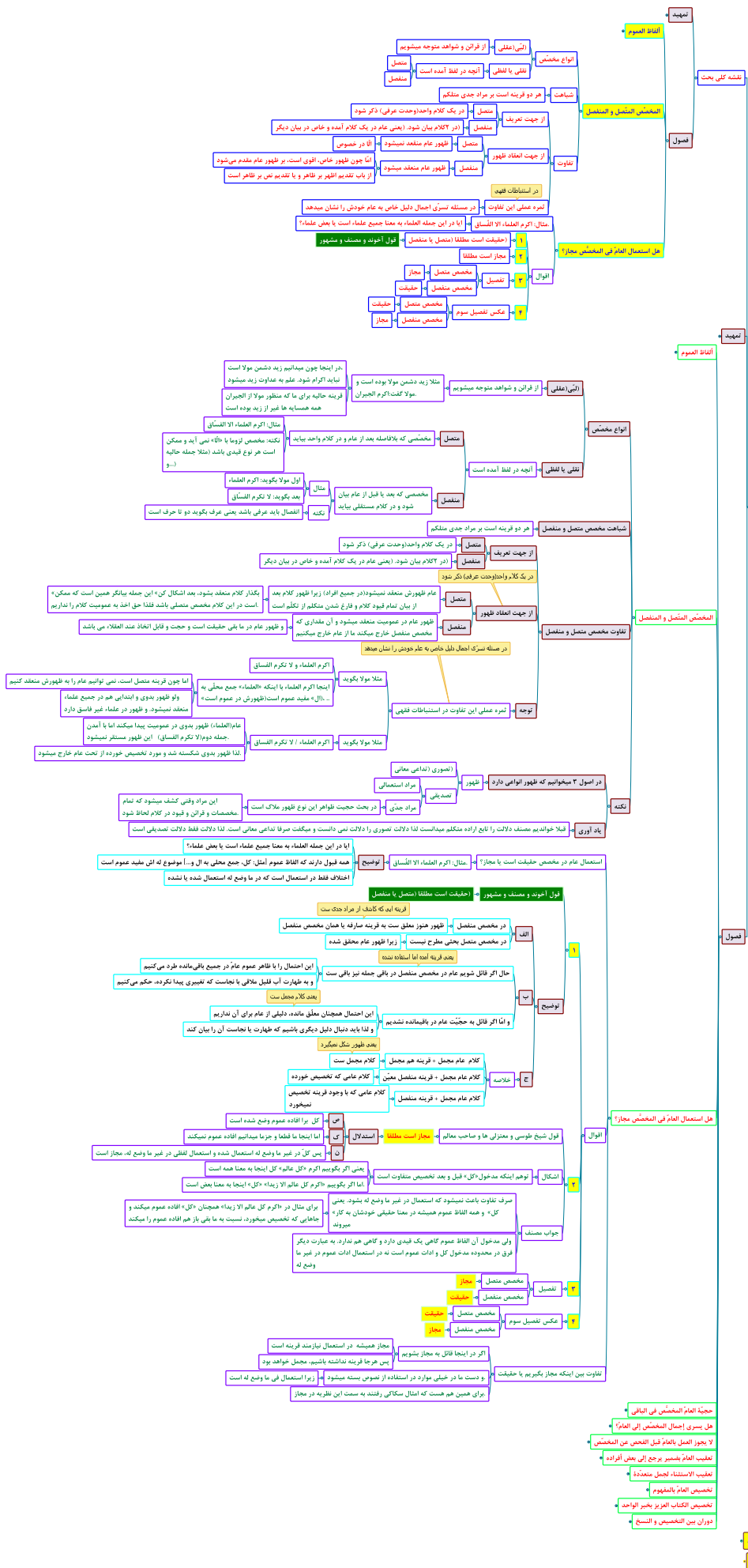
با همین حرف نفقه بر زید واجب میشود و این وجه حق ازدواج ندارد

تکته

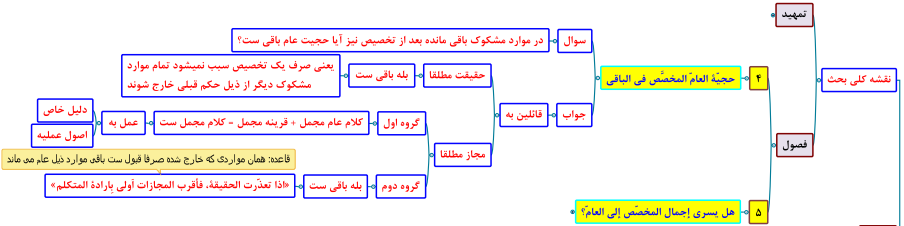
مصنف قبلا گفت: دلالت تابع اراده است. اینجا این هم این مبدا را حفظ میکند لذا اینجا میگوید دلالت اشارة اصلا دلالت نیست

- بسم الله الرحمن الرحيم
- تعهد
 - الباب الأول المشفق
 - الباب الثاني الأوامر
 - الباب الثالث التواهي
 - الباب الرابع المفاهيم





- بسم الله الرحمن الرحيم
- تمهید
- الباب الأول المشیق
- الباب الثاني الأوامر
- الباب الثالث التواهی
- الباب الرابع المفاهیم



- تمهید
- الفاظ المصوم
- المخصی المتصل و المتفصل
- هل استعمال العام فی المخصی مجاز؟

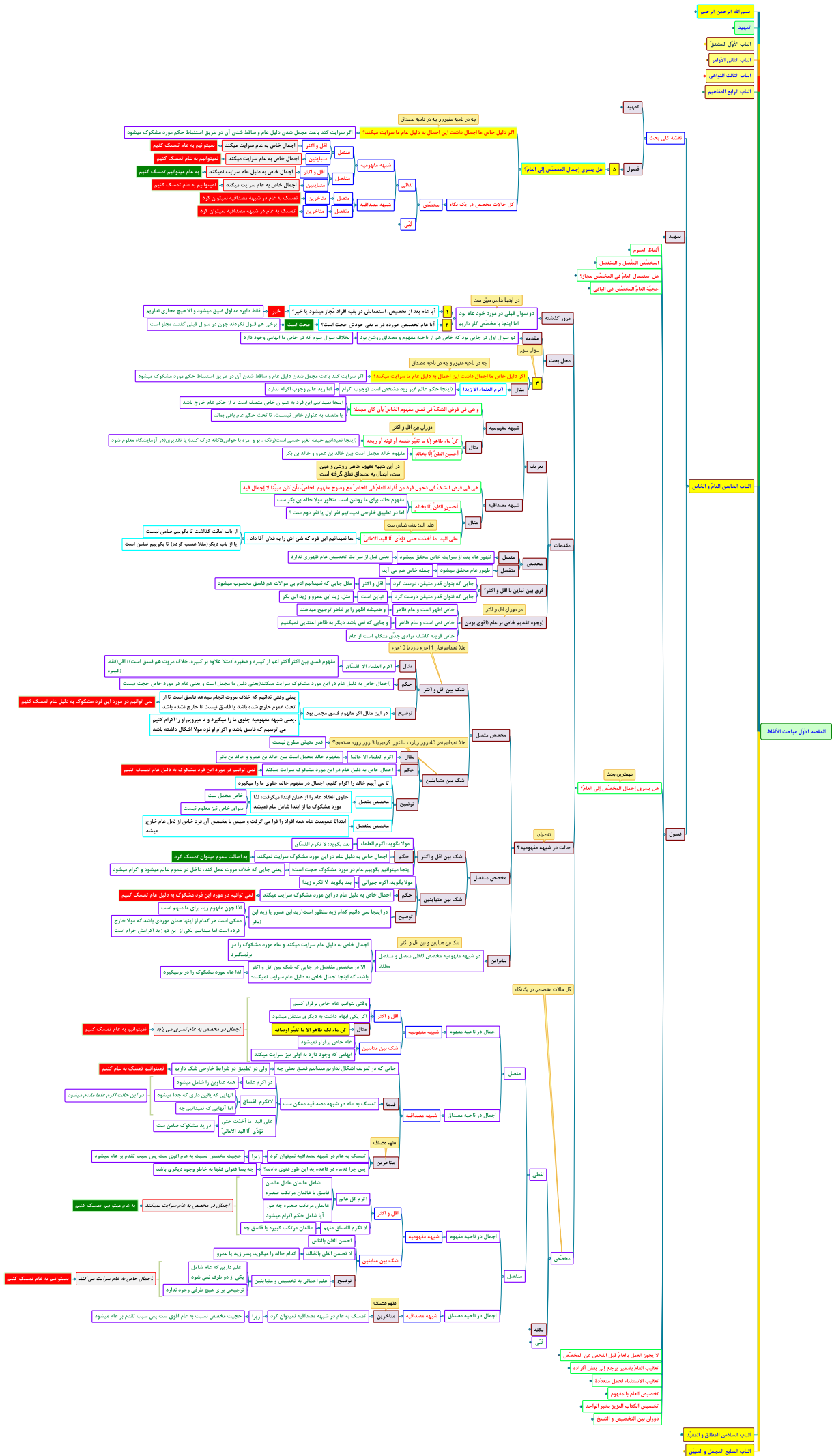
الباب الخامس العام و الخاص

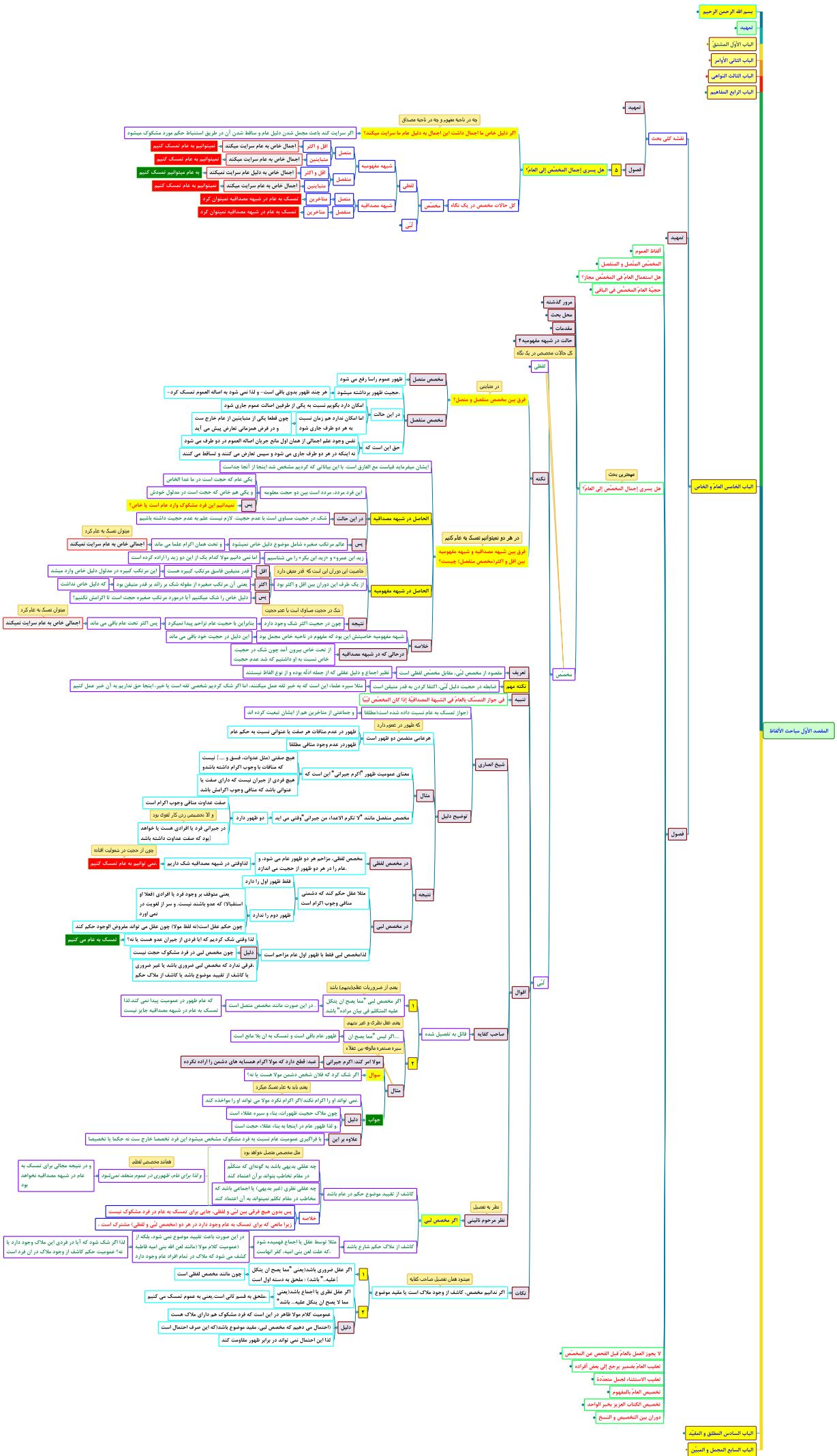
المقصد الأول میاحت الالفاظ

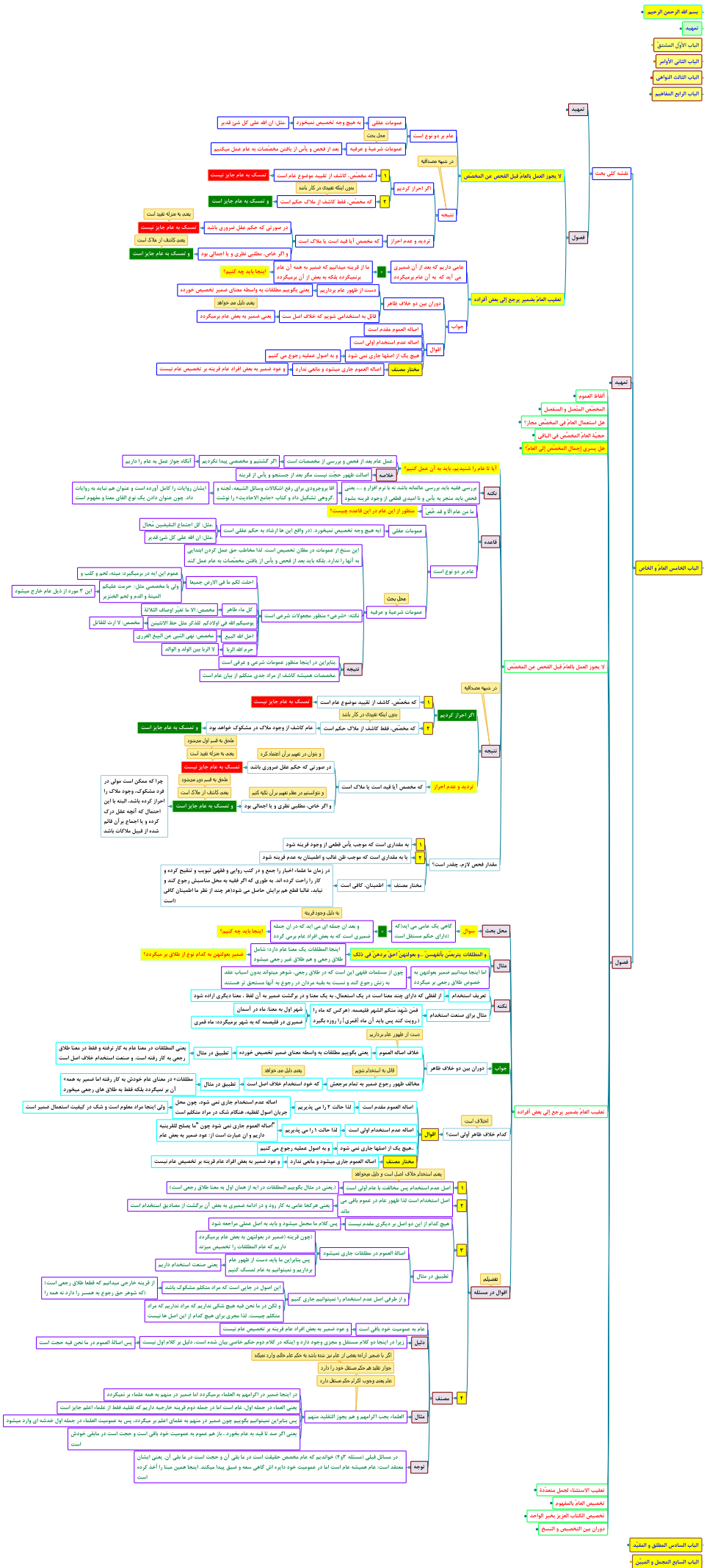


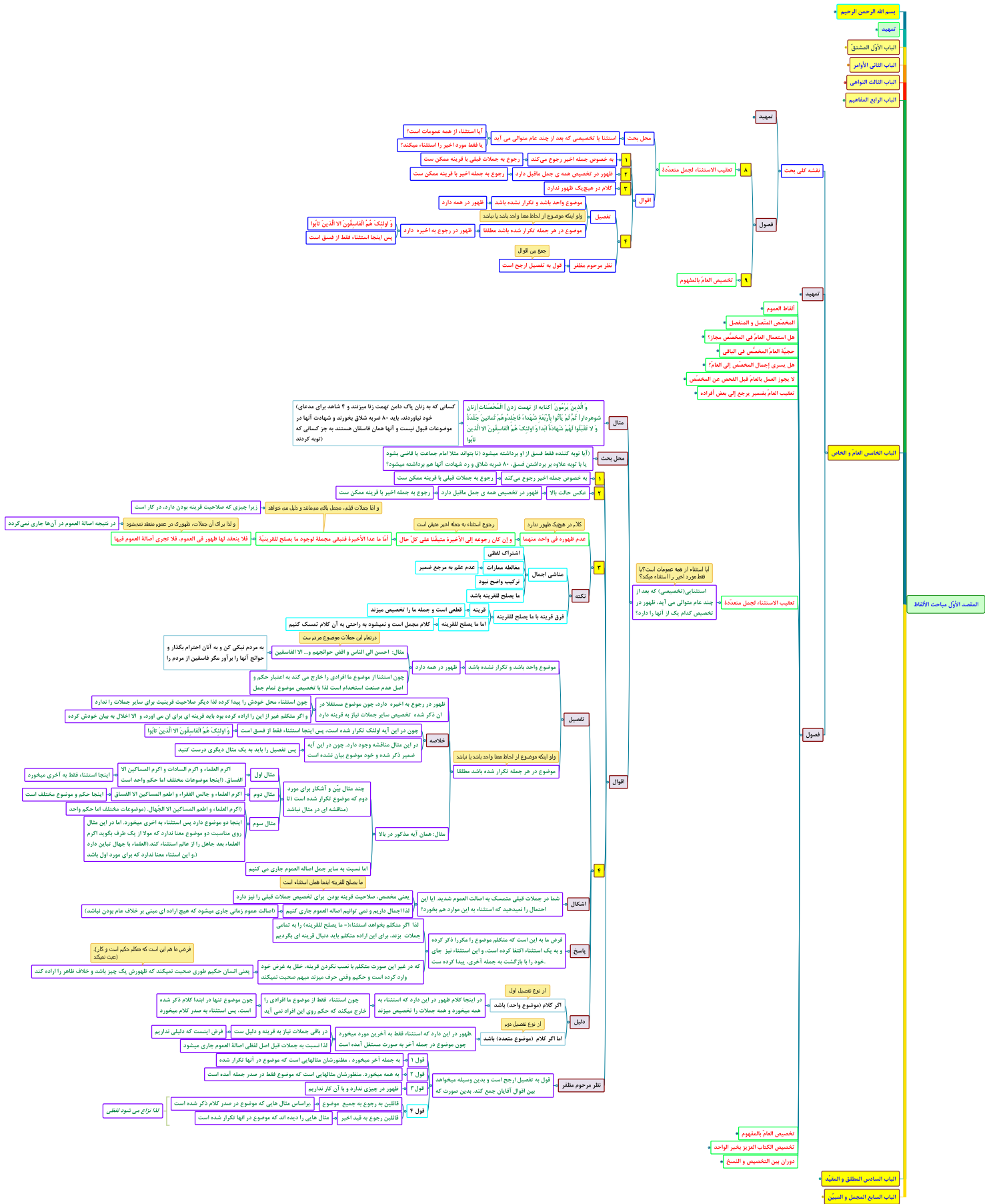
- هل یسری إجمال المخصی إلی العام؟
- لا يجوز العمل بالعام قبل الفحص عن المخصی
- تعطیل العام بضمیر یرجع إلی بعضی افراد
- تعطیل الاستثناء لجمال متعدده
- تخصیص العام بالمفهوم
- تخصیص الکتاب العزیز بخیر الواحد
- دوران بین التخصیص و النسخ

- الباب السادس المطلق و المقيّد
- الباب السابع المجمل و المبین

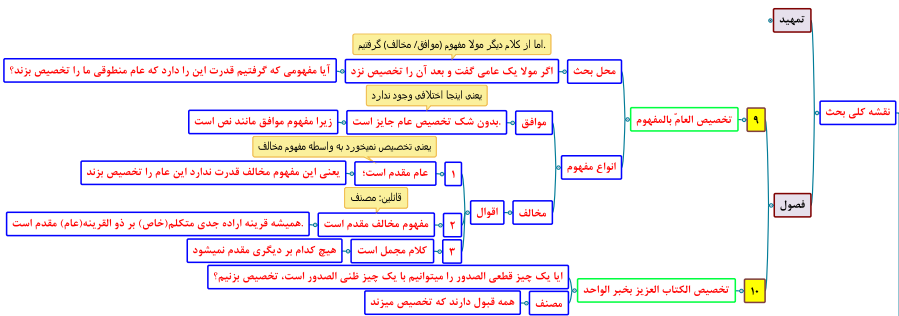








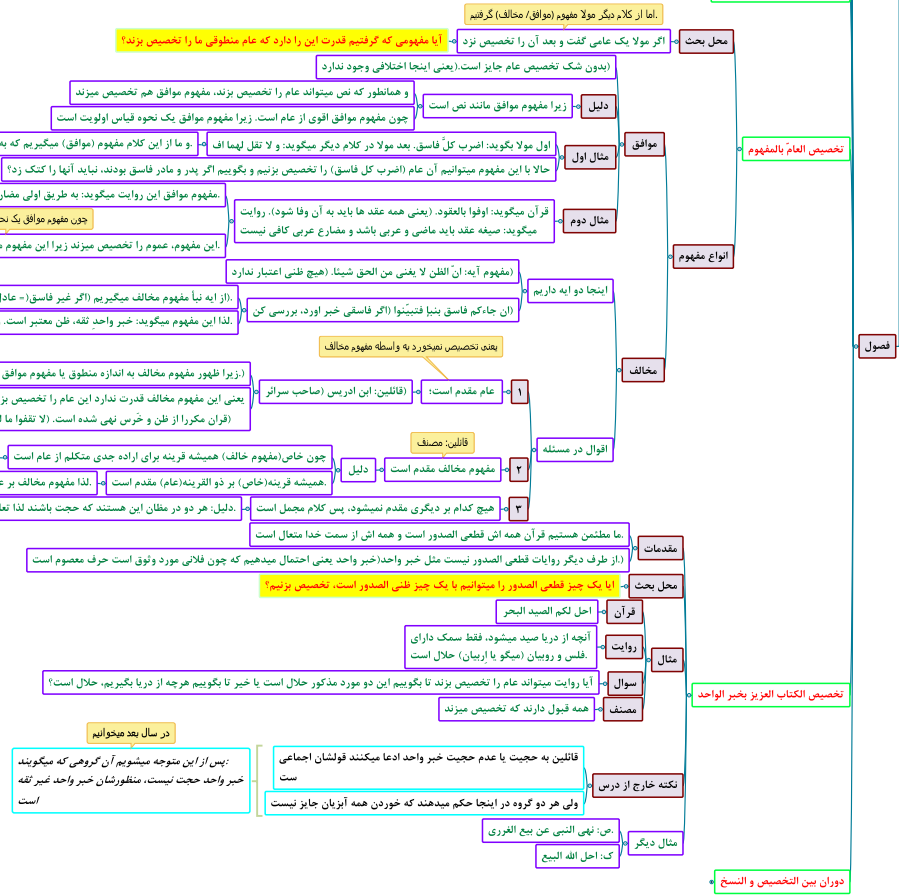
- بسم الله الرحمن الرحيم
- تمهید
- الباب الأول المشتق
- الباب الثاني الأوامر
- الباب الثالث النواهي
- الباب الرابع المشاهيم



- تمهید
- ألفاظ العموم
- المختص المتصل والمنفصل
- هل استعمال العام في المخصص مجاز؟
- حجية العام المخصص في الباقي
- هل يسرى إجمال المخصص إلى العام؟
- لا يجوز العمل بالعام قبل التخصيص عن المخصص
- تعقيب العام بتفسير يرجع إلى بعض أفراده
- تعقيب الاستثناء لحمل متعدّدة

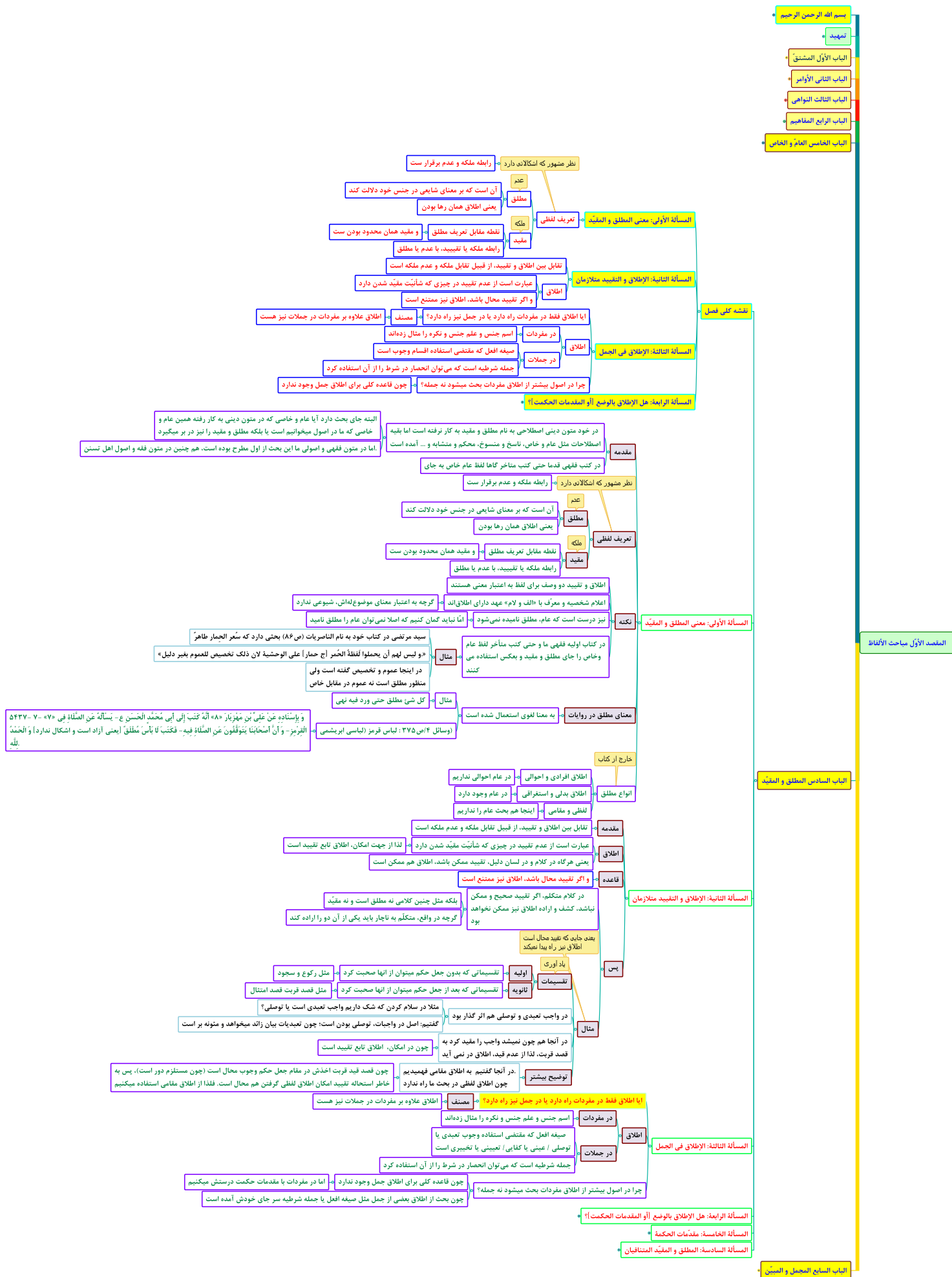
الباب الخامس العام والخاص

المقصد الأول مباحث الألفاظ



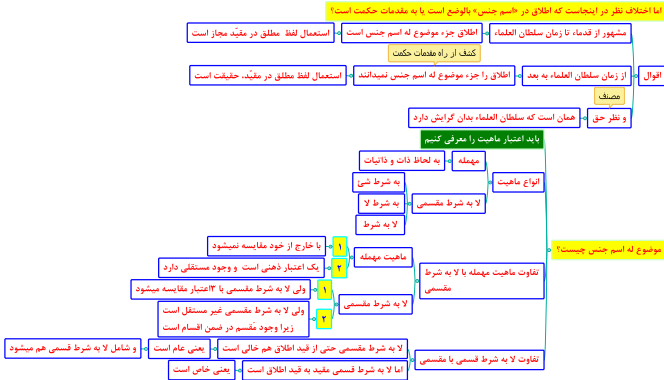
- الباب السادس المطلق والمقيد
- الباب السابع المجمل والمبين



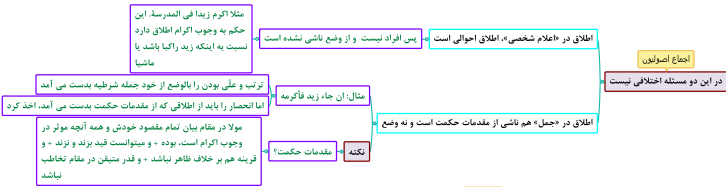


المسألة الأولى: معنى المطلق والمقيّد
المسألة الثانية: الإطلاقي والتقييد متلازمان
المسألة الثالثة: الإطلاقي في العمل

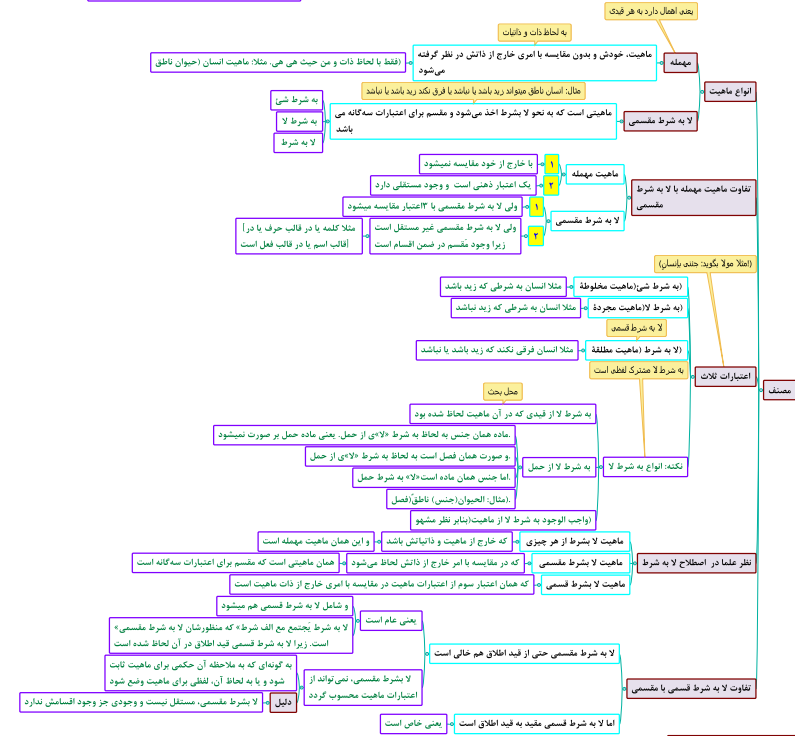
نقطة كلي فصل
المسألة الرابعة: هل الإطلاقي بالوضع أو بالمفاهيم الحكمية؟



المسألة الأولى: معنى المطلق والمقيّد
المسألة الثانية: الإطلاقي والتقييد متلازمان
المسألة الثالثة: الإطلاقي في العمل

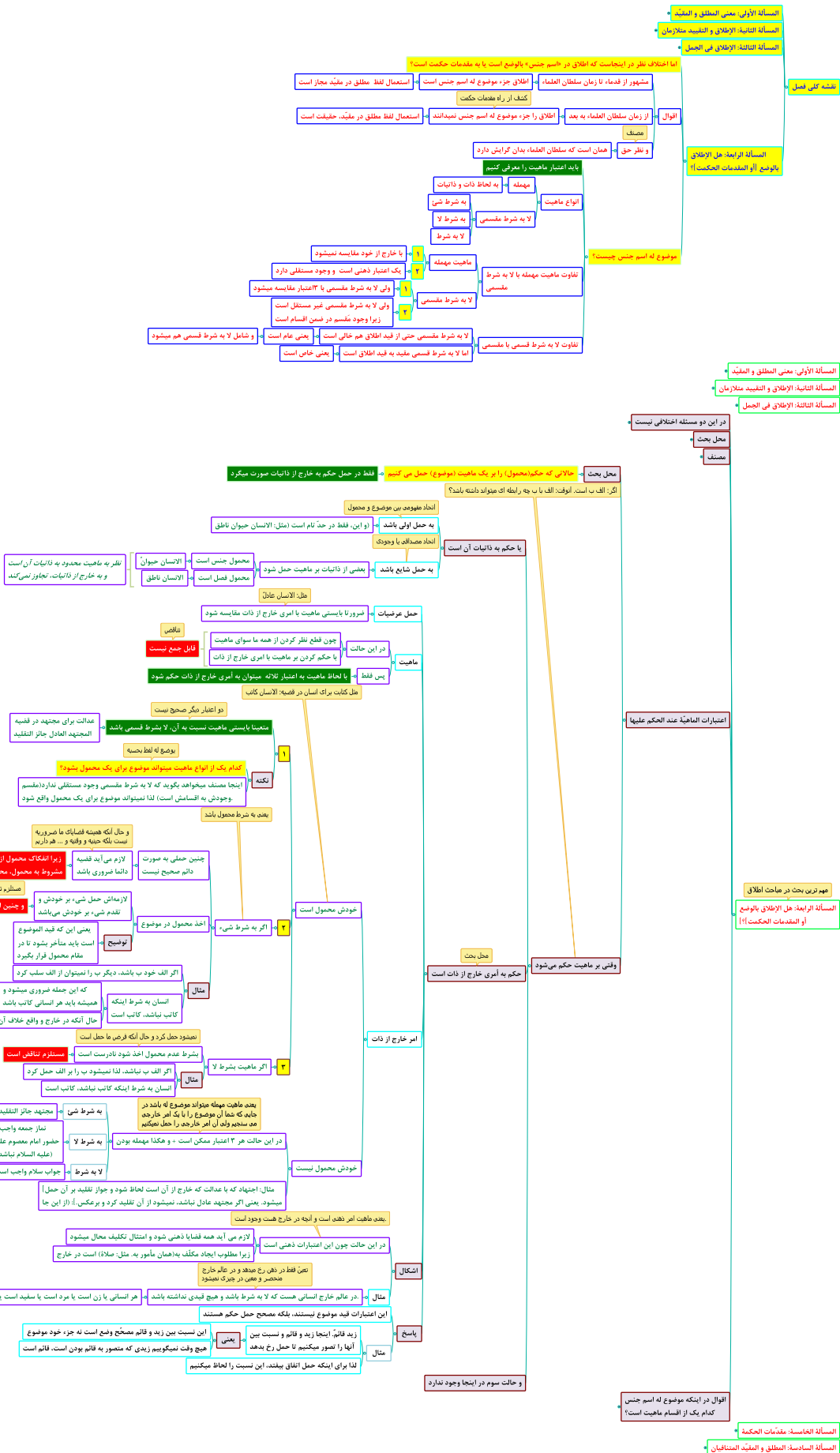


المسألة الأولى: معنى المطلق والمقيّد
المسألة الثانية: الإطلاقي والتقييد متلازمان
المسألة الثالثة: الإطلاقي في العمل



المسألة الأولى: معنى المطلق والمقيّد
المسألة الثانية: الإطلاقي والتقييد متلازمان
المسألة الثالثة: الإطلاقي في العمل

المسألة الخامسة: مفهومات الحكيمية
المسألة السادسة: المطلق والتقييد المتناهيان
الباب السابع: الجمال والتشبي



- بسم الله الرحمن الرحيم
- تمهید
- الباب الأول المشتق
- الباب الثاني الأوامر
- الباب الثالث التواهي
- الباب الرابع المفاهيم
- الباب الخامس العام و الخاص

- السؤال الأول: معنى المطلق و المقيد
- السؤال الثاني: الإطلاق و التقييد متلازمان
- السؤال الثالث: الإطلاق في الجمل
- السؤال الرابع: هل الإطلاق
- بالوضع أو المقدمات الحكمت

نقشه کلی فصل

الاقوال في المسألة



- السؤال الأول: معنى المطلق و المقيد
- السؤال الثاني: الإطلاق و التقييد متلازمان
- السؤال الثالث: الإطلاق في الجمل

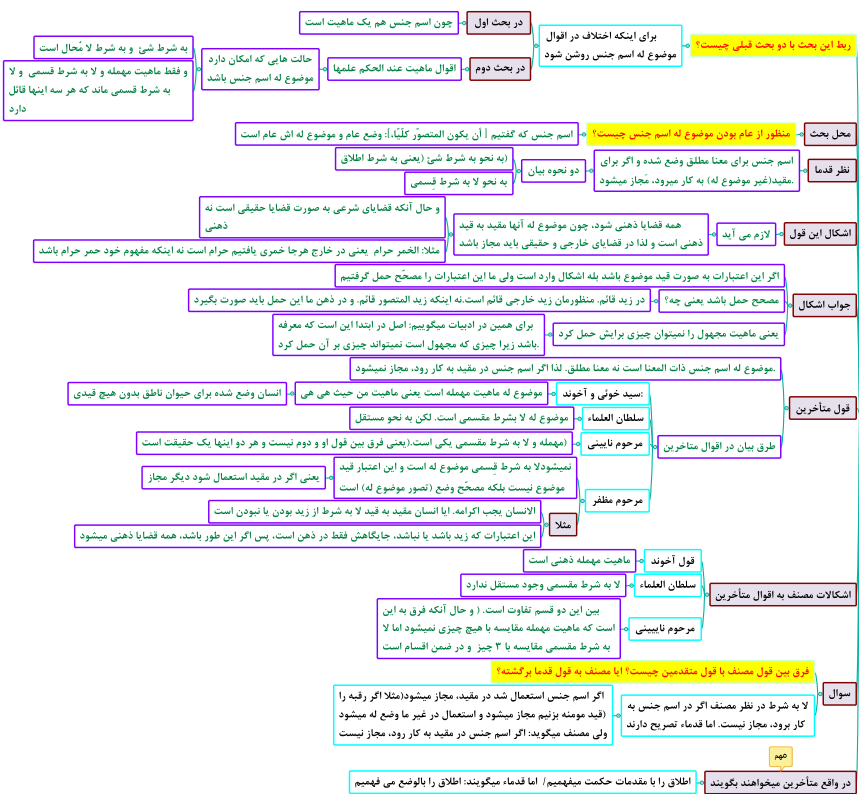
- در این دو مسئله اختلافی نیست
- محل بحث
- مصنف
- اعتبارات الماهية عند الحكم عليها

المقصد الأول صياحت الألفاظ

- مهم ترین بحث در صياحت اطلاق
- السؤال الرابع: هل الإطلاق بالوضع
- أو المقدمات الحكمت

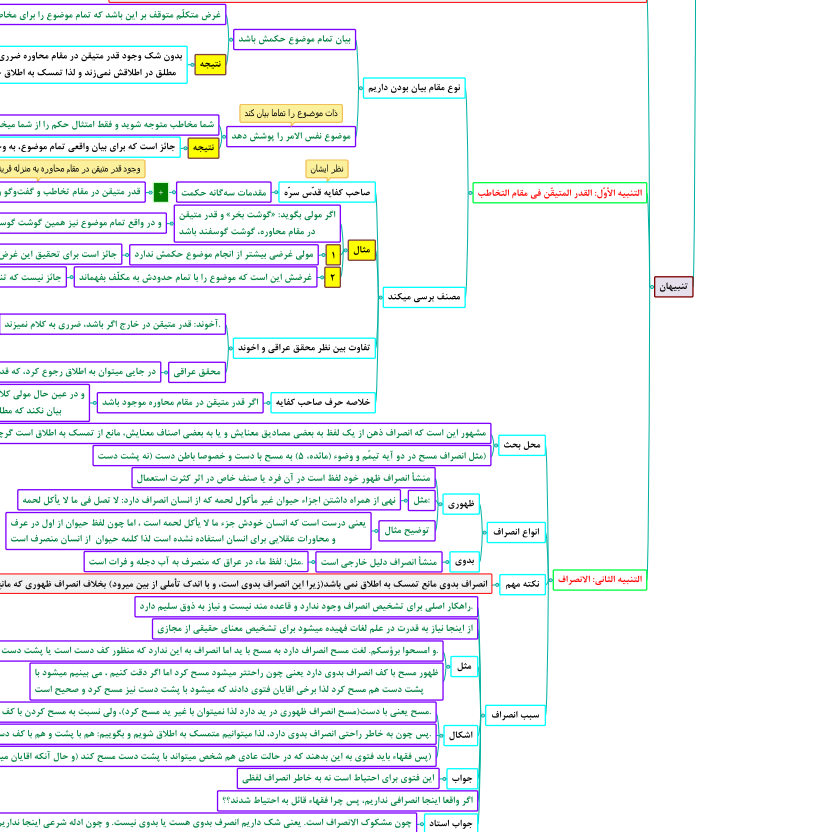
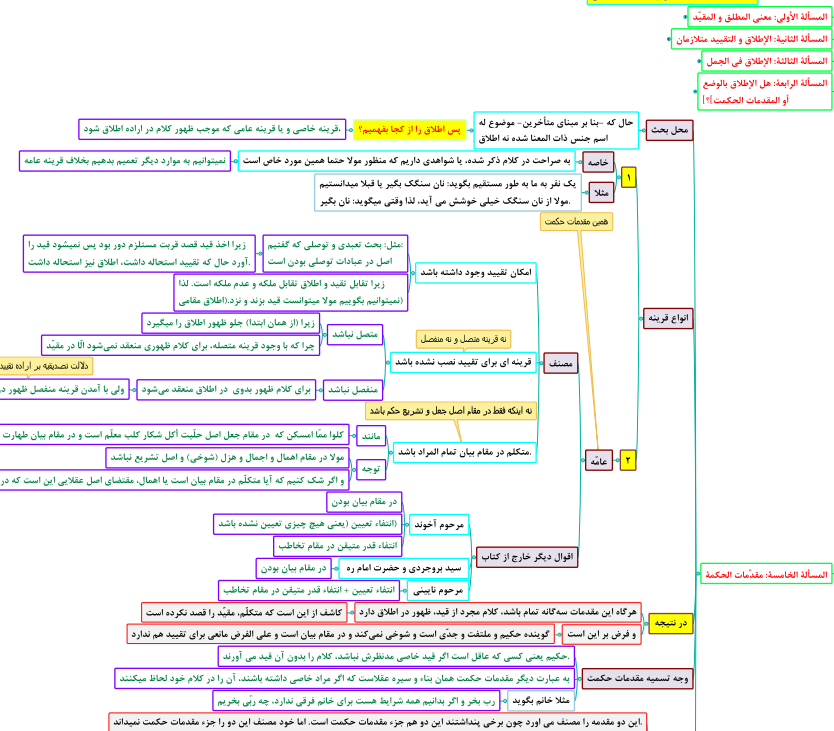
الباب السادس المطلق و المقيد

اقوال در اینکه موضوع له اسم جنس کدام یک از اقسام ماهیت است؟



- السؤال الخامس: مقدمات الحكمة
- السؤال السادس: المطلق و المقيد المتنافيان

الباب السابع المجل و المقيّد



- بسم الله الرحمن الرحيم
- تعهد
- الباب الأول المشتق
- الباب الثاني الأوامر
- الباب الثالث النواهي
- الباب الرابع المفاهيم
- الباب الخامس العلم و النجاس

- المسألة الأولى: معنى المطلق و المقيد
- المسألة الثانية: الإطلاق و التقييد مثلايمان
- المسألة الثالثة: الإطلاق في الجمل
- المسألة الرابعة: هل الإطلاق يوضح أو المقدمات الحكمت
- المسألة الخامسة: مقدمات الحكمة

نقشه کلی فصل



- المسألة الأولى: معنى المطلق و المقيد
- المسألة الثانية: الإطلاق و التقييد مثلايمان
- المسألة الثالثة: الإطلاق في الجمل
- المسألة الرابعة: هل الإطلاق يوضح أو المقدمات الحكمت
- المسألة الخامسة: مقدمات الحكمة

الباب السادس المطلق و المقيد



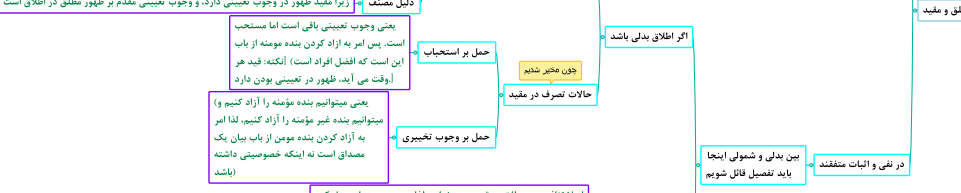
سوال



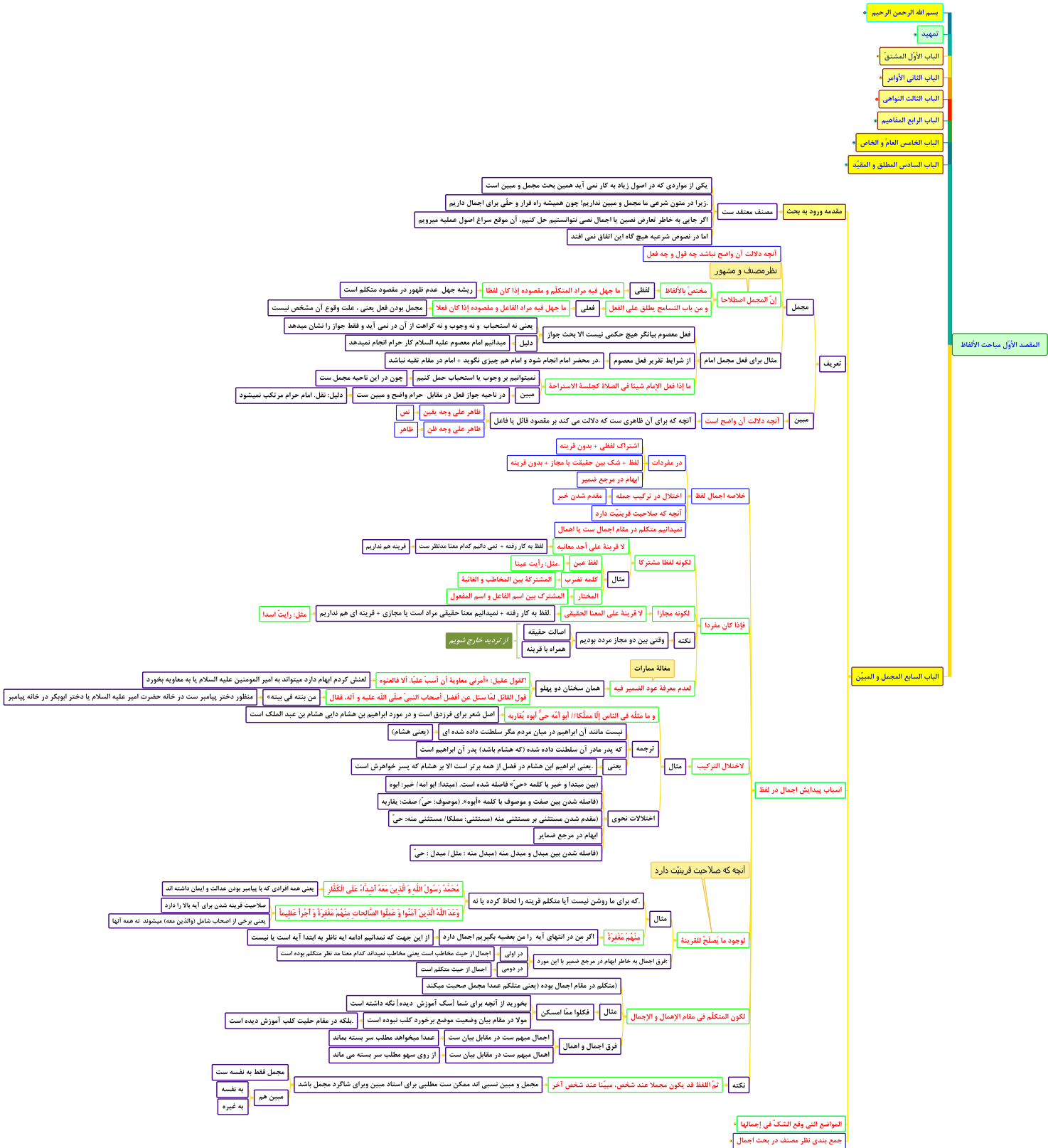
در نفی و اثبات مختلف هستند



حالات مطلق و مقید



الباب السابع المجمع و المبین

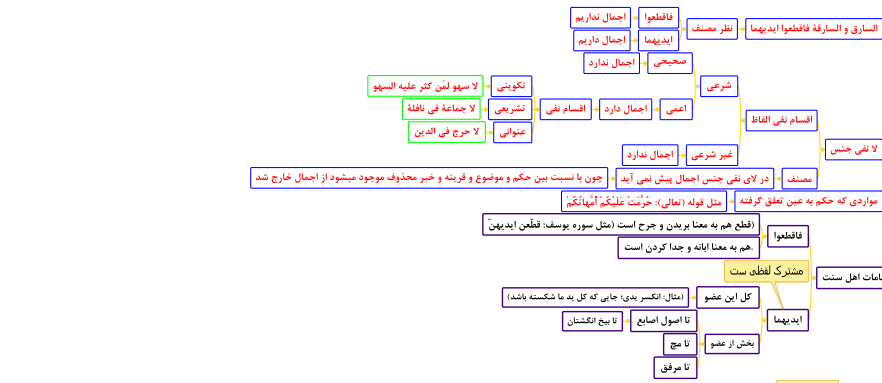


- بسم الله الرحمن الرحيم
- تمهید
- الباب الأول المشتق
- الباب الثاني الأوامر
- الباب الثالث التواهي
- الباب الرابع المفاهيم
- الباب الخامس العام والغاي
- الباب السادس المطلق والمفرد

- مقدمه ورود به بحث
- تعريف
- اسباب پیدایش اجمال در لفظ

المفصل الأول مباحث الألفاظ

خلاصه مواردی که ادعای اجمال شده



السارق و السارقة فالفظوا ایدیهما

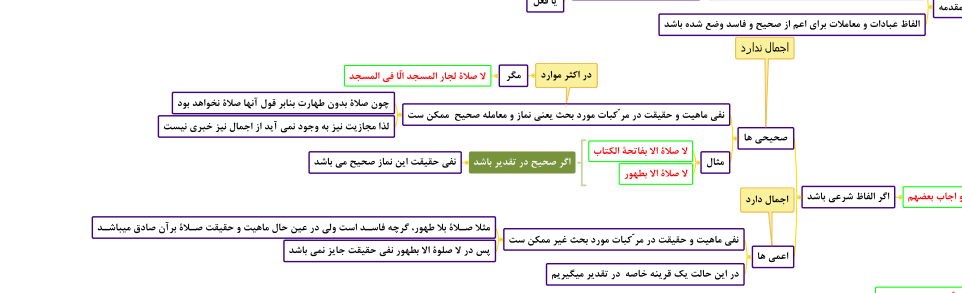


مواردی که ادعای اجمال شده

المواضع التي وقع التشك في اجمالها

الباب السابع المنجمل والمبين

مقدمه



لا نفي جنس



مقدمه

...مصنف قائل است لو علمي شاید خود این ها اجمال داشته باشد

جمع بندی نظر مصنف در بحث اجمال

اما در مجموع برای هر کدام از اینها یک راه حل برای اجمال وجود دارد، و لذا در کل، در مباحث شرعی ما اجمال نداریم